

# شناسایی تغییرات ضروری در زیرساخت فرهنگی جهت حرکت به سمت یادگیری مادام‌العمر: دیدگاه استادان

میترا کامیابی<sup>۱</sup>، احمدعلی فروغی ابری<sup>۲</sup>، محمد حسین یارمحمدیان<sup>۳</sup>

## مقاله پژوهشی

### چکیده

**مقدمه:** نیاز جامعه امروز، حرکت به سمت فرایند یادگیری مادام‌العمر است. یادگیری مادام‌العمر می‌تواند به عنوان یک اصل راهبردی در آموزش عالی باشد، اما جهت تحقق آن نیازمند ایجاد فرهنگ یادگیری مادام‌العمر در سطح جامعه می‌باشد. از این‌رو، هدف از این نوشتار، شناسایی تغییرات ضروری زیرساخت فرهنگی در یادگیری مادام‌العمر بود.

**روش:** مطالعه کیفی حاضر به روش تحلیل محتوا و در سال ۱۳۹۳ انجام شد. ۱۶ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های اصفهان، کرمان و علوم پزشکی اصفهان که در زمینه آموزش عالی، آموزش و یادگیری دارای سابقه و تجربه بودند، به روش نمونه‌گیری هدفمند برای شرکت در مطالعه انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته باز پاسخ انجام و برای تأمین اعتبار و مقبولیت داده‌ها از شیوه چک همکار و ناظر خارجی استفاده شد. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوا انجام گرفت.

**یافته‌ها:** بر پایه نتایج حاصل از پژوهش، چهار درون‌مایه تحت عنوان‌های «یادگیری و ارزش‌های فرهنگی فردی»، «یادگیری و رسالت فرهنگی مراکز آموزشی»، «یادگیری و رسالت فرهنگی خانواده» و «یادگیری و رسالت فرهنگی رسانه» به عنوان برخی تغییرات ضروری در زیرساخت فرهنگی جهت حرکت به سمت یادگیری مادام‌العمر شناخته شد.

**نتیجه‌گیری:** جهت تربیت افرادی با ویژگی یادگیری مادام‌العمر، ایجاد یک سری تغییرات در زیرساخت فرهنگی مورد نیاز است. انجام مطالعات کیفی بیشتر در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.

**کلید واژه‌ها:** یادگیری، زمینه فرهنگی، استاد دانشگاه، تحقیق کیفی، تحلیل داده

**ارجاع:** کامیابی میترا، فروغی ابری احمدعلی، یارمحمدیان محمد حسین. شناسایی تغییرات ضروری در زیرساخت فرهنگی جهت حرکت به سمت یادگیری مادام‌العمر: دیدگاه استادان. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۷؛ ۷ (۱): ۶۰-۷۱.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۱۹

Email: kamyabi.mitra@gmail.com

نویسنده مسئول: میترا کامیابی

## مقدمه

رفتارها و روابط افراد یک جامعه ریشه در فرهنگشان دارد. فرهنگ را فقط به عنوان یک متغیر مستقل تأثیرگذار بر روابط و رفتار تلقی نمی‌کنند، بلکه آن را بستر در هم تنیده با اجزای رفتارها و روابط در نظر می‌گیرند که قابل انفکاک از مقوله خاصی نظیر یادگیری نیست (۱).

فرهنگ یادگیری از سوی صاحب نظران عرصه آموزش مطرح شده است. به اعتقاد آن‌ها، یادگیری پدیده‌ای است که در بستر اجتماع و تحت تأثیر عوامل فرهنگی شکل می‌گیرد. باورها، ارزش‌ها و جهان‌بینی هر جامعه بر مفهوم یادگیری، نقش یادگیرنده، یاد دهنده، موضوع یادگیری، شیوه تدریس و حتی شیوه‌های ارزشیابی تأثیر می‌گذارد و از تعامل بین مجموعه این اجزا بستر جدید یا فرهنگ یادگیری شکل می‌گیرد (۲). ابتدا پژوهشی در واکنش به نظریه رشد شناخت ذهنی پیازه، به این موضوع پرداخت که یادگیری در تاریخ و فرهنگ ریشه دارد و نمی‌توان مراحل رشد یکسانی برای همه مطرح نمود (۳). Bruner از دیگر مبدعان اصطلاح فرهنگ یادگیری، با تأکید بر نقش فرهنگ در برنامه درسی و فرایند یادگیری آن را آئینه توصیف، تحلیل و تفسیر برنامه‌های درسی آشکار و پنهان تلقی نمود. از نظر وی، فرهنگ بستری را برای شکل‌گیری تعاملات بین دانش‌آموزان، ارتباط بین معلم و دانش‌آموزان، نحوه کلاس‌داری، نوع نگاه به محتوا، فرصت‌های یادگیری و شیوه ارزشیابی فراهم می‌سازد که مجموع آن را فرهنگ یادگیری می‌نامند (۴). بر این اساس، گرچه یادگیری اغلب در ذهن صورت می‌پذیرد، ولی ریشه و منشأ فرهنگی دارد.

امروزه جهانی شدن و رشد سریع علوم به این معنی است که افراد باید مهارت‌ها و دانش خود را در طی زندگی بزرگسالی‌شان تغییر داده و آن را بهبود بخشیده تا بتوانند با زندگی مدرن کنار بیایند (۵). با نگاه به این شرایط، جوامع اگر بخواهند از فرصت‌های ناشی از این تحولات به نفع خود سود جویند، بایستی به مفهوم یادگیری مادام‌العمر (Life long learning) در سراسر دوران زندگی افراد توجه نمایند. یادگیری مادام‌العمر مفهوم جدیدی نیست، اما از دهه ۱۹۶۰ توجه سازمان‌های بین‌المللی

و نویسندگان را به خود جلب نموده است. آغاز جدی این تلاش‌ها از سال ۱۹۷۲ توسط کمیسیون بین‌المللی توسعه آموزش و پرورش صورت پذیرفت. از دهه ۱۹۹۰ سازمان یونسکو، سازمان همکار و توسعه اقتصادی (OECD) یا Organisation for economic co-operation and development) اقدام‌های خود را آغاز نمودند (۶). تاریخچه یادگیری مادام‌العمر به سال ۱۹۲۰ بر می‌گردد. یادگیری مادام‌العمر کسب و بازآموزی انواع توانایی، علایق، دانش و صلاحیت‌ها از پیش‌دبستانی تا بعد از بازنشستگی است و فرد را قادر می‌سازد تا با جامعه دانش‌محور تطابق یابد و از انواع یادگیری (رسمی، غیر رسمی و اتفاقی) نیز استفاده نماید. در یادگیری مادام‌العمر، یادگیری به زمان و مکان خاصی محدود نمی‌باشد (۷). ویژگی‌های یادگیری مادام‌العمر بدین شرح توصیف شده که انعطاف طول دوره، دیدگاه یادگیرنده محوری، یادگیری‌های چند موضوعی و دسترسی آزاد و باز برای همگان است (۸). یادگیری مادام‌العمر مفهومی است که امروزه مورد توجه تمام جوامع قرار گرفته است. به دلایل زیر، نیاز به مبحث یادگیری مادام‌العمر یک ضرورت است: ۱- افزایش سرعت جهانی شدن، ۲- تغییرات جمعیت شناختی و حرکت جوامع به سمت پیر شدن و ۳- تغییرات سریع تکنولوژیکی (۹). جهت تحقق این امر، انسان نیازمند سازمان‌دهی مجدد تمام ابعاد زندگی (کار، فراغت، خانواده، فرهنگ، ورزش و آموزش) است (۶). جهت نهادینه شدن فرهنگ یادگیری در افراد، ایجاد تغییراتی در زیرساخت فرهنگی جامعه مورد نیاز است. در دنیایی با تغییرات سریع، تربیت افراد برای موقعیت موجود، تربیت آن‌ها برای کهنگی است. بایستی انگیزه یادگیری در سنین پایین‌تر به وجود آید تا افراد در همه دوران زندگی به یادگیری بپردازند. بر طبق نظریه‌ای، بسیاری از افراد به این باور می‌رسند که یادگیری غیر ضروری، بی‌فایده و دوست نداشتنی یا غیر قابل دسترس است (۱۰). امروزه افراد باید فرضیه‌های پذیرفته شده خود را کنار زده و یادگیری را به عنوان یک پیامد غیر قابل اجتناب در زندگی بپذیرند (۱۱). جهت تحقق این امر، افراد بایستی رقابت با خود را جایگزین رقابت با دیگران نمایند، انگیزش

گفت که فرهنگ یادگیری در ایران اغلب معلم محور است تا یادگیرنده محور، محتوا محور است تا فعالیت محور، نمره محور است تا یادگیری محور، حفظی و انتقالی است تا ساخت و تولید دانش و نتیجه محور است تا فرایند محور (۲).

با توجه به مفهوم فرهنگ یادگیری مادام‌العمر می‌توان گفت که کلیه عناصر برنامه درسی، رفتارهای آموزشی معلم و یادگیرنده در یک محیط یادگیری با یکدیگر در تعامل است و انگیزه‌های افراد برای یادگیری، از بستر فرهنگی آن محیط تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، یکی از حوزه‌هایی که باید در آن تغییراتی را با توجه به رویکرد یادگیری مادام‌العمر ایجاد نمود، بخش زیرساخت‌های فرهنگی است.

از آن‌جا که مفهوم فرهنگ یادگیری در بسترهای مختلف معانی متفاوتی دارد و ارزش‌های زمینه‌ای بومی بر شناسایی مؤلفه‌های زیرساخت فرهنگی تأثیرگذار می‌باشد، به منظور درک و استخراج ارزش‌های زمینه‌ای و بومی لازم است تا به سراغ صاحب نظرانی رفت که تجربیات ارزشمندی در حوزه آموزش، اخلاق، ارزش‌ها و برنامه‌ریزی دارند تا با بهره‌مندی از نظرات ایشان (انجام مصاحبه و تحلیل نظرات) بتوان زیرساخت‌های متناسب با ارزش‌های فرهنگی خود را ارائه داد. از این‌رو، در پژوهش حاضر، مؤلفه‌های زیرساخت فرهنگی یادگیری از طریق جمع‌آوری و تحلیل نظرات صاحب نظران، استخراج شد. نگارندگان مقاله که دکترای برنامه‌ریزی درسی و دارای سوابق پژوهشی و اجرایی بودند، بر آن شدند تا مشخص نمایند که برای حرکت به سمت یادگیری مادام‌العمر، بایستی چه تغییراتی در زیرساخت فرهنگی جهت حرکت به سمت یادگیری مادام‌العمر ایجاد نمود.

### روش

بر اساس معیار هدف، پژوهش حاضر کاربردی بود. این پژوهش به صورت یک تحقیق کیفی طراحی و اجرا گردید و زمان انجام پژوهش سال ۱۳۹۳ بود. جامعه مورد بررسی، استادان و صاحب‌نظران دانشگاه‌های دولتی اصفهان، کرمان و علوم پزشکی اصفهان بود که دارای تجربیات ارزشمندی در زمینه برنامه‌ریزی، آموزش و موضوعات وابسته به آن بودند.

درونی جایگزین انگیزش بیرونی شود و عشق به یادگیری و آموزش دایمی وجود داشته باشد (۱۲). Dimitrescu و همکاران در پژوهش خود به نقش کلیدی دانشگاه‌ها در زمینه تغییرات فرهنگی و اجتماعی اشاره نموده و مثال‌هایی از کاربرد آن در کشورهای اروپایی ذکر کردند (۱۳). در بحث یادگیری مادام‌العمر، جامعه نیازمند شهروندانی فعال و یادگیرنده در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی است تا بتوانند با تغییرات اجتماعی کنار آیند (۱۰). در ارتباط با فرهنگ یادگیری، پژوهش‌های متعددی در ایران انجام گرفته است. فاضلی با مقایسه فرهنگ یادگیری دانشگاهی در ایران و بریتانیا دریافت که آموزش در بریتانیا پژوهش محور، دانشجوی محور، جامعه محور، مشارکتی، تحلیلی، نقادانه و فرایندی است. در مقابل فرهنگ آموزش دانشگاهی ایران آموزش محور، معلم محور، اقتدارگرایانه و علم از طریق محتوا انتقال دانی است (۱۴). سرکارانی نیز با مقایسه فرهنگ یادگیری در ژاپن و ایران می‌نویسد، آموزش ژاپن فرایند محور، مشارکتی، تحلیلی و نقادانه است. در این فرهنگ، دانش‌آموزان به فعالیت‌های گروهی و مشارکتی سوق داده می‌شوند و طی کردن فرایند حل مسأله بیش از نتیجه آن مهم شمرده می‌شود. در فرهنگ یادگیری ایران، اغلب نتیجه بر فرایند و رقابت بر مشارکت ترجیح داده می‌شود و پاسخ مسأله بسیار مهم‌تر از راه حل آن تلقی می‌گردد (۱۵). فراس‌تخواه در بخشی از پژوهش خود نتیجه‌گیری می‌کند که ۷۹/۶ درصد از یادگیرندگان، حضور در کلاس درس و نشست پای صحبت‌های استاد را بر آموزش‌های غیر حضوری و مجازی ترجیح می‌دهند. ۴۴/۹ درصد از یادگیرندگان، ارتباط حضوری را بر سایر روش‌های ارتباطی ترجیح می‌دهند و تنها ۶/۴ درصد از یادگیری مجازی لذت می‌برند. نتایج این پژوهش بر معلم محوری و ارتباط حضوری تأکید دارد (۱۶). عطاران و همکاران نیز در پژوهشی نشان دادند، دانشجویان مجازی ایرانی ترجیح می‌دهند که درس را مستقیم از استاد یاد بگیرند، به تشکیل گروه‌های علمی و پژوهشی چندان توجهی ندارند و یادگیری از طریق گفتار را بر مطالعه مطالب متنی ترجیح می‌دهند (۱۷).

به طور کلی، بر اساس یافته‌های پژوهش سراجی می‌توان

مفاهیم موجود در هر خط یا جمله مرتبط با موضوع اصلی پژوهش را مشخص نمودند. مفهوم اصلی جملات معنی‌دار به صورت کد استخراج شد. سپس، دسته‌بندی کدها آغاز گردید. کدهایی با مفهوم مشترک در یک طبقه قرار گرفت و نامگذاری شد. با استفاده از فرایند تحلیل مقایسه‌ای مداوم، هر داده با تمام داده‌ها مقایسه شد. بدین صورت که با هر مصاحبه جدید، طبقات قبلی بازنگری و طبقات مشابه با یکدیگر ادغام یا طبقه جدیدی ایجاد گردید. با کمک یک فرد با تجربه در تحلیل داده‌های کیفی، کار طبقه‌بندی و نامگذاری طبقه‌ها مورد بازنگری قرار گرفت. همچنین، در این مطالعه جهت اطمینان از درستی تفسیر داده‌ها، شیوه‌های پرسش از همکار و چک اعضا استفاده گردید. کدهای استخراج شده هر مصاحبه در اختیار خود مصاحبه شونده قرار گرفت و آن‌ها صحت متون پیاده شده و کدهای استخراج شده را تأیید نمودند. برای بازنگری ناظران، متن برخی از مصاحبه‌ها، کدها و طبقات استخراج شده توسط یک نفر دیگر از اعضای هیأت علمی (علاوه بر محقق اصلی) که با روش تجزیه و تحلیل کیفی آشنایی داشت، مورد بررسی قرار گرفت که توافق بالایی (حدود ۸۵ درصد) میان نتایج استخراج شده وجود داشت. برای افزایش اعتماد و اعتبار علمی نتایج تحقیق، از روش‌های مطرح شده توسط Polit و Beck استفاده شد. این پژوهشگران چهار معیار تأییدپذیری (Confirability)، اطمینان‌پذیری (Dependability)، باورپذیری (Credibility) و انتقال‌پذیری (Transferability) را جهت تأمین استحکام داده‌های کیفی لازم می‌دانند (۱۹). بنابراین، پژوهشگر به منظور اطمینان‌پذیری داده‌ها و اجتناب از سوگیری، با رعایت اصول مصاحبه، تعامل طولانی مدت با مشارکت کنندگان داشت و این معیارها را رعایت نمود. برای اطمینان از تأییدپذیری بعد از تشکیل کدهای اولیه از نظرات شرکت کنندگان جهت صحت کدها و تفاسیر اطمینان حاصل شد و در صورتی که کدها با نظرات شرکت کنندگان مغایرت داشت، اصلاح صورت گرفت. همچنین، از شیوه کنترل توسط دو نفر از اعضای هیأت علمی و متخصص در زمینه تحقیق کیفی استفاده شد و توافق نظر روی کدهای انتخابی و طبقه‌بندی انجام گرفته، صورت

در صورت تمایل استادان برای مشارکت، محقق زمان مناسب برای انجام مصاحبه را هماهنگ نموده و روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بود. جمع‌آوری داده‌ها (انجام مصاحبه‌ها) تا اشیاع داده‌ها ادامه پیدا کرد. در نهایت، با ۱۶ نفر مصاحبه انجام شد که ۱۰ نفر ایشان از صاحب نظران مرکز توسعه آموزش پزشکی دانشگاه‌های علوم پزشکی اصفهان و ۶ نفر از متخصصان حوزه برنامه‌ریزی و آموزش دانشگاه‌های اصفهان و شهید باهنر کرمان بودند. مکان مصاحبه در دفتر کار استادان، بر اساس زمان توافق شده تعیین گردید. هر مصاحبه در حدود ۴۵ دقیقه به طول انجامید.

مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختار یافته و سؤالات مصاحبه به صورت باز پاسخ مطرح گردید. سؤالات کلی برای شروع مصاحبه عبارت بود از: درک شما از یادگیری مادام‌العمر در آموزش عالی چیست؟ و به نظر شما تغییرات ضروری در زیرساخت فرهنگی جهت حرکت به سمت یادگیری مادام‌العمر چه می‌باشد؟ سپس، بر اساس پاسخ مشارکت کنندگان، سؤالات مصاحبه در جهت هدف تحقیق هدایت گردید.

مصاحبه‌ها ضبط و به جای اسامی افراد از کدهای عددی استفاده شد. پس از آن، مصاحبه‌ها به صورت مکتوب در آمد و دوباره با اطلاعات ضبط شده مطابقت گردید. متن مصاحبه‌ها جهت اصلاح و تأیید، در اختیار مصاحبه شونده‌ها قرار گرفت. پیاده کردن مصاحبه‌ها و تحلیل داده‌ها (کدگذاری و دسته‌بندی کدها) بعد از انجام اولین مصاحبه شروع شد.

تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوا (Content analysis) انجام گرفت. پژوهشگر به طبقه‌بندی، مقوله‌بندی عبارت‌ها، توصیف ساختار منطقی آن‌ها، تعیین پیوستگی‌ها و معنی فعلی آن‌ها پرداخت. مراحل به کار گرفته شده برای تحلیل متن مصاحبه‌ها بر اساس رویکرد تحلیل شامل جمع‌آوری داده‌ها (ضبط مطالب)، تقلیل داده‌ها، استنباط و تحلیل بود (۱۸). در پژوهش حاضر، واحد تحلیل جمله بود.

به این ترتیب، برای تحلیل داده‌ها مراحل زیر به دقت دنبال گردید:

متن مصاحبه‌ها کلمه به کلمه روی کاغذ پیاده و پژوهشگران خط به خط و کلمه به کلمه داده‌ها را بازنگری و

حاضر، ۹ نفر مرد و ۷ نفر زن بودند. شرکت کنندگان استادانی با سابقه کار آموزشی بین ۵ تا ۲۶ سال بودند. از این تعداد، ۴ نفر استاد، ۷ نفر دانشیار و ۵ نفر استادیار بودند. در تحلیل مصاحبه‌ها، ۳۳۵ کد به دست آمد که بعد از حذف کدهای تکراری و ادغام موارد مشابه، ۷۰ کد به دست آمد که در ۴ طبقه اصلی و ۱۴ زیرطبقه قرار گرفت. این درون‌مایه‌ها عبارت از «یادگیری و ارزش‌های فرهنگی فردی»، «یادگیری و رسالت فرهنگی مراکز آموزشی»، «یادگیری و رسالت فرهنگی خانواده» و «یادگیری و رسالت فرهنگی رسانه» بود که به طور جداگانه در جدول ۱ نشان داده و توصیف شده است.

پس از تجمیع نتایج حاصل از مصاحبه‌ها و تحلیل متون، اطلاعات به دست آمده طبقه‌بندی و در جدول ۱ مؤلفه‌های زیرساخت فرهنگی در برنامه درسی با رویکرد یادگیری مادام‌العمر در آموزش عالی ذکر گردیده است.

**الف) یادگیری و ارزش‌های فرهنگی فردی:** اولین طبقه اصلی استخراج شده در تحلیل داده‌ها، یادگیری و ارزش‌های فرهنگی فردی بود. با توجه به تجربه مشارکت کنندگان برای نهادینه شدن فرهنگ یادگیری مادام‌العمر و حرکت به سمت این مهم، افراد بایستی برای یادگیری ارزش‌ها قایل شوند.

گرفت. برای کسب انتقال‌پذیری، طبقات استخراج شده در اختیار دو نفر از استادان که در تحقیق شرکت نداشتند، قرار گرفت تا مشخص گردد که آیا تشابهی بین نتایج تحقیق و تجارب ایشان وجود دارد یا نه؟ باورپذیری نیز با ثبت کامل و مداوم فعالیت‌های پژوهشگر درباره چگونگی جمع‌آوری، تحلیل داده‌ها و ارزیابی گزیده‌هایی از متن مصاحبه‌ها برای هر یک از طبقات تأمین شد. در این پژوهش، ملاحظات اخلاقی با ارزیابی اطلاعات شفاهی و کتبی در خصوص مطالعه به مشارکت‌کنندگان، اختیاری بودن شرکت ایشان و تکمیل رضایت‌نامه کتبی رعایت گردید. به شرکت کنندگان در خصوص محرمانه ماندن گفتگوها و رعایت اصل رازداری، ضبط مصاحبه به صورت بی‌نام و پاک نمودن فایل مصاحبه پس از پایان تحقیق، اطمینان داده شد. محقق با در اختیار قرار دادن شماره تماس و آدرس پست الکترونیکی خود، این امکان را برای شرکت کنندگان به وجود آورد تا بتوانند در هر مرحله از تحقیق انصراف خود را از شرکت در مطالعه، به اطلاع پژوهشگر رسانده و در صورت تمایل، نتایج تحقیق در اختیار ایشان قرار گیرد.

### یافته‌ها

بر اساس بررسی به عمل آمده از مشارکت کنندگان مطالعه

جدول ۱. طبقات اصلی و زیرطبقات تغییرات ضروری در زیرساخت فرهنگی جهت حرکت به سمت یادگیری مادام‌العمر

زیرطبقات	طبقه اصلی
ارزش قایل شدن به فرایند یادگیری	یادگیری و ارزش‌های فرهنگی فردی
تلقی یادگیری به عنوان یک ضرورت و نیاز در زندگی	
ایجاد دیدگاه مثبت نسبت به یادگیری	
استفاده از روش‌های متنوع یادگیری	یادگیری و رسالت فرهنگی مراکز آموزشی
بسترسازی جهت فرصت یادگیری در هر زمان	
بسترسازی جهت فرصت یادگیری در هر مکان	
سیر از فرایند یاددهی به فرایند یادگیری	
ارایه اطلاعات کافی به افراد جهت جذب در فرایند یادگیری مادام‌العمر	
افزایش امکانات کمی و کیفی مطالعه در خانواده	یادگیری و رسالت فرهنگی خانواده
مدیریت اوقات فراغت در خانواده	
تبلیغات رسانه‌ای در جهت یادگیری مادام‌العمر (در قالب شعارهای ملی و محلی)	یادگیری و رسالت فرهنگی رسانه
آشنایی با نحوه یادگیری در سایر ملل (بین فرهنگی)	
هدایت باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها در جهت یادگیری مادام‌العمر	
توجه به یادگیری مادام‌العمر به عنوان اولویت ملی	

گرفته می‌تونه استفاده کنه و براش کاربرد داره حتماً دیدش به آموختن و یادگیری مثبت می‌شه».

**ب) یادگیری و رسالت فرهنگی مراکز آموزشی:** یکی از طبقات استخراج شده در تحلیل داده‌ها، یادگیری و رسالت فرهنگی مراکز آموزشی بود. مراکز آموزش عالی نقش به‌سزایی در شکل دادن فرهنگ جامعه و فراهم‌سازی بسترهای مناسب جهت یادگیری مادام‌العمر را بر عهده دارد. با توجه به بیانات مشارکت‌کنندگان، استفاده از روش‌های متنوع یادگیری موجب یادگیری بیشتر ایشان می‌شود. مشارکت‌کننده ۳ معتقد بود که «تا مطالب بخوان تو کتاب‌ها چاپ بشن، تاریخ انقضای اونا فرا می‌رسه. افراد چیزهایی رو درباره تکنولوژی‌های جدید و استفاده از آن می‌دونن که اصلاً توی کتاب‌ها نخونده یا مدرکش رو هم ندارن. پس کنار یادگیری رسمی ما باید به یادگیری غیر رسمی و اتفاقی هم تأکید کنیم تا افراد بهتر یاد بگیرن چون این یادگیری‌ها به میل خودشونه و دوام بیشتری داره». مشارکت‌کننده ۷ بیان داشت که «اگه فقط یادگیری رسمی رو در نظر بگیریم، می‌شه فقط یادگیری در مدرسه و دانشگاه، ولی الان ما نیاز به یادگیری غیر رسمی و اتفاقی داریم که اگه افراد بخوان یاد بگیرن از همه جا می‌تونن یاد بگیرن، مثل یادگیری از همدیگه». از مواردی که به طور مکرر در تمام مصاحبه‌ها از مشارکت‌کنندگان شنیده می‌شد و آن‌ها را خیلی مهم می‌دانستند، بسترسازی جهت فرصت یادگیری در هر زمان و بسترسازی جهت فرصت یادگیری در هر مکان بود. به نقل از مشارکت‌کننده ۶ «در تدوین اهداف باید تأکید روی ایجاد فرصت‌هایی بدون هیچ محدودیت مکان، زمان، سن و موقعیت باشه. یادگیری همه جا مثل خونه، مدرسه، دانشگاه، خیابون، محل کار، کانون‌ها، انجمن‌های مختلف و... با شیوه‌ها و وسایل مختلف مثل کتاب‌ها، روزنامه‌ها و تکنولوژی‌های جدید صورت می‌گیره». مشارکت‌کننده ۱۱ معتقد است: «قرار نیست همه کلاس‌ها حتماً به صورت حضوری و در مکان‌های خاص مثل دانشگاه تشکیل بشه. ما باید از تکنولوژی‌ها و شیوه‌های جدید استفاده کنیم. در ضمن، کلاس‌ها در ساعت خاصی تشکیل نشه و هر فرد بتونه بنا به شرایط شغلی و زندگی خود ساعات یادگیری

مصاحبه شونده کد ۱ اشاره می‌نماید: «کسی که وارد دانشگاه می‌شه باید نیتش یادگیری باشه؛ نه این که یک دوره زمانی افراد را تو دانشگاه نگه داریم تا انتظاراتش دیرتر وارد جامعه بشه. ویژگی ترغیب‌کنندگی یعنی یک انگیزه درونی و خودانگیزی در فرد به وجود بیاد تا بعد از فارغ‌التحصیلی مطالعه و یادگیری را فراموش نکنه. یعنی یادگیری رو دوست داشته باشه». یکی دیگر از موارد مطرح شده توسط مشارکت‌کنندگان، تلقی یادگیری به عنوان یک ضرورت در زندگی بود. مشارکت‌کننده کد ۱۳ اشاره نمود که «میل طبیعی به آموختن توی همه افراد وجود داره. ما باید به این نیاز پاسخ و اهمیت بدیم و آدم‌ها هم بایستی یادگیری را به عنوان یک ضرورت حس کنند». مشارکت‌کننده کد ۹ معتقد بود که «یادگیری حتی از غذا خوردن و آشامیدن برای فرد واجب‌تره و باعث پیشرفت فرد در همه زمینه‌ها می‌شه». مشارکت‌کننده کد ۴ می‌گوید: «ما باید افراد بزرگسال را تشویق کنیم تا تو بحث یادگیری مادام‌العمر شرکت کنن و از این راه اون‌ها رو متوجه نیازهاشون کنیم. ایجاد انگیزه در بزرگسال اهمیت زیادی داره. بزرگسال با هدف خاصی تو دوره‌ها شرکت می‌کنه. اگر احساس کنه این دوره به دردش نمی‌خوره، دیگه شرکت نمی‌کنه. یعنی فردی که در این دوره شرکت می‌کنه، باید از هدف‌ها و فواید دوره خبر داشته باشه و بدون این دوره برای چی برگزار شده تا شرکت کنه و از این راه اون‌ها رو متوجه نیازهاشون کنیم». مشارکت‌کننده کد ۱ معتقد است که «حس نیاز یادگیرنده اهمیت زیادی داره. یعنی اگر فرد احساس کنه مطالب مفیده و با ویژگی‌های او هم‌خونه و با شیوه مناسبی آموزش می‌دن، تمایل به شرکت در دوره برای یادگیری رو داره». ایجاد دیدگاه مثبت نسبت به یادگیری در افراد به منظور یادگیری مادام‌العمر، یکی دیگر از موارد مطرح شده توسط مشارکت‌کنندگان بود. مشارکت‌کننده کد ۲ بیان نمود که «میل طبیعی آموختن تو همه افراد هست. مدارس و مراکز آموزشی هستن که باعث می‌شن افراد یادگیری رو دوست داشته باشن یا نه». مشارکت‌کننده کد ۵ معتقد بود: «فرد اگه احساس کنه مطالب، مدرک و... به دردش نمی‌خوره تمایلی به یادگیری نداره، اما اگه بدونه از مطالبی که یاد

دیگر از موارد مطرح شده توسط مشارکت کنندگان بود». مشارکت کننده کد ۵ بیان نمود: «از سیاست‌های حرکت به سمت یادگیری مادام‌العمر ایجاد انگیزه تو افراد برای یادگیری و برقراری ارتباط میان آموزش و کاره». مشارکت کننده کد ۱۱ ذکر نمود که «ما باید تو افراد انگیزه کافی ایجاد کنیم تا یاد بگیرن و تبدیل به یادگیرندگانی خود راهبر بشن». مشارکت کننده کد ۱ می‌گوید: «یادگیرنده مادام‌العمر یعنی یادگیرنده‌ایی که بی‌وقفه بخونه، بدون برش زمانی. یعنی لیسانس نگیره بعد از چند سال فوق‌لیسانس یا حتی احساس کنه برای برگشتش دیگه دیره و از سن او گذشته. بایستی مجدد افراد به محیط یادگیری جذب شوند».

**ج) یادگیری و رسالت فرهنگی خانواده:** اولین نهادی که فرد در آن پا به عرصه وجود می‌گذارد، خانواده است. خانواده نقش به‌سزایی در شکل‌دهی عادات و تفکر افراد دارد. بنابراین، توجه به خانواده و نقش آن جهت ایجاد فرهنگ یادگیری مادام‌العمر حایز اهمیت است. افزایش امکانات کمی و کیفی مطالعه در خانواده یکی از موارد مهم اشاره شده توسط مشارکت کنندگان بود. مشارکت کننده کد ۷ معتقد بود: «با کمک دولت باید امکانات مطالعه و یادگیری تو خانواده‌ها فراهم بشه. به عنوان مثال، هدیه کتاب‌های جذاب و مفید، طراحی کتاب‌های جیبی، کمک گرفتن از رسانه‌ها جهت رواج برنامه‌های کاربردی و مفید و...».

با توجه به بیانات مشارکت کنندگان مدیریت اوقات فراغت در خانواده یکی از موارد مهم می‌باشد. مشارکت کننده کد ۳ معتقد بود که «این روزا به خاطر مشغله والدین، مدیریتی روی اوقات فراغت بچه‌ها نیست. خیلی موقع‌ها زمان بچه‌ها تلف می‌شه. ما باید بتونیم به اونا بگیم چه کار مفیدی انجام بدن و یکی از این راه‌ها یادگیری چیزای مختلفه». مشارکت کننده کد ۱۲ اشاره نمود: «گه والدین خودشون از وقت فراغت‌شون استفاده درستی بکنن، این عادت توی بچه‌ها هم شکل می‌گیره. وقتی بچه‌ها از همون کودکی ببینن والدینشون مطالعه می‌کنن، مسلماً به یادگیری علاقه‌مند می‌شن».

**د) یادگیری و رسالت فرهنگی رسانه:** امروزه رسانه‌ها در هر کجای زندگی افراد وجود دارد و نقش بسیار

خودش رو انتخاب کنه». مشارکت کننده ۶ بیان نمود که «در زمان قدیم مردم احساس می‌کردن یادگیری فقط از طریق مدرسه امکان داره و یادگیری یعنی داشتن مدرک، اما الان این طور نیست». مشارکت کننده ۳ معتقد است که «در یادگیری مادام‌العمر ما باید محدودیت‌ها را به حداقل برسونیم. یعنی شرکت توی کلاس‌ها بر اساس سن افراد نباشد». سیر از فرایند یاددهی به فرایند یادگیری نیز یکی دیگر از موارد مطرح شده بود. مشارکت کننده کد ۹ بیان می‌نماید: «یادگیری مادام‌العمر برای جامعه ما به ضرورته و اون به ذهنیت و عاده که مردم باید کسب کنن». مشارکت کننده کد ۴ اظهار می‌دارد، «فرایند یاددهی و یادگیری ما باید طوری باشه که به جای ذهن مملو از اطلاعات ما باید ذهنی رو ایجاد کنیم که پردازش کننده اطلاعات باشه. وظیفه استاد فقط انتقال اطلاعات نیست. تو مفهوم یادگیری مادام‌العمر استاد نقش مهمی داره و اون هدایت و راهنمایی دانشجویه و مفهوم یاددهی و یادگیری باید تغییر کنه». مشارکت کننده کد ۴ ذکر نمود: «برای حرکت به سمت جامعه اطلاعات و جامعه‌ای با رویکرد یادگیری مادام‌العمر، ما نیاز به باز اندیشی مفاهیمی مثل آموزش، یادگیری، معلم و دانش‌آموز داریم. معلم‌ها خودشون یک مشاور و مدل یادگیری مادام‌العمرند، نه فقط توزیع کننده اطلاعات. یادگیری یعنی لذت بردن از یاد گرفتن. افراد بایستی بیاموزند، یادگیری یاد گرفتن رو». مشارکت کننده کد ۴ بیان می‌دارد: «هدف یادگیری مادام‌العمر پرورش ذهن‌های تشنه و کنجکاو. تمایل ما به آموختن باعث فعال بودن، فعالیت بیشتر برای یادگیری و رفع تشنگی مغزی ما می‌شه». مشارکت کننده کد ۲ می‌گوید: «شیوه جدید و حرکت به سمت فرایند یادگیری، مهم شمردن خود افراد. یعنی فقط شنونده نیست و تجربیات مفیدی داره و می‌تونه اون‌ها رو با دیگران به اشتراک بذاره و خودش از دیگران یاد بگیره. به خاطر ویژگی‌های افراد بزرگسال ما نباید انتظار داشته باشیم که محفوظات آن‌ها زیاد بشه. افراد باید در فرایند یاددهی یادگیری فعال باشن. گفتگوی یک طرفه مناسب نیست. افراد بزرگسال یک عالمه تجربه دارن. ارایه اطلاعات کافی به افراد جهت جذب در فرایند یادگیری مادام‌العمر یکی

یادگیری است». مشارکت کننده کد ۸ بیان داشت که «نگاه ما به مفهوم یادگیری مادام‌العمر باید نگاهی فراگیر باشه و تمام مؤسسات تو این امر همکاری کنن. یعنی برای رسیدن به یادگیری مادام‌العمر، نیاز به همکاری‌های میان سازمانی و میان بخشی است». مشارکت کننده کد ۲ اظهار داشت: «یادگیری مادام‌العمر یک مسؤولیت عمومی و تک تک افراد برای رسیدن به این هدف باید کمک کنن. به عبارت دیگر، باید یک اولویت برای تمام افراد و سازمان‌ها باشه».

### بحث

هدف از انجام مطالعه حاضر، شناسایی تغییرات ضروری در زیرساخت فرهنگی جهت حرکت به سمت یادگیری مادام‌العمر بود. یافته‌های مطالعه حاضر ۴ طبقه اصلی و ۱۴ زیرطبقه را آشکار نمود. سایر مطالعات انجام شده پیرامون فرهنگ یادگیری و یادگیری مادام‌العمر ویژگی‌هایی را بر شمرده است که تمامی آن‌ها با ویژگی‌های مطالعه حاضر همخوانی داشت. اولین درون‌مایه در این مطالعه یادگیری و ارزش‌های فرهنگی فردی بود. این درون‌مایه دارای طبقه‌های ارزش قایل شدن به فرایند یادگیری، تلقی یادگیری به عنوان یک ضرورت و نیاز در زندگی و ایجاد دیدگاه مثبت نسبت به یادگیری بود. در این راستا، Laal و سلامتی، برخی سیاست‌های حرکت به سمت یادگیری مادام‌العمر را تسهیل دسترسی باز، افزایش انعطاف‌پذیری، ایجاد انگیزه در مردم برای یادگیری، افزایش اثربخشی و مفید بودن یادگیری بر شمرند (۲۰). کریمی در پژوهشی به این نتایج دست یافت که جامعه یادگیری باید فرصت‌های یادگیری در سراسر زندگی را فراهم نماید تا هر فرد با انگیزه به یادگیری بپردازد و بتواند خود و جامعه را به کمال برساند. دانشگاه در تحقق این مهم نقش به سزایی دارد (۲۱). مراکز آموزش و یادگیری رسمی بیشتر بر روی طول مدت مشخص و ثابت دوره، موضوعات مشخص و سطوح تحصیلی تأکید می‌کند، اما در یادگیری مادام‌العمر تأکید بر دانسته‌ها و مهارت‌های عملی یادگیرندگان است (۲۲). در این راستا، نیازمند یک سیستم آموزشی منعطف بوده که نیازهای متنوع یادگیرندگان را در نظر

مهمی را ایفا می‌نماید. یکی از مهم‌ترین مفاهیم استخراج شده در مطالعه حاضر که تا حدودی از تجربیات کلیه مشارکت کنندگان به صراحت استنباط می‌شود، تبلیغات لازم رسانه‌ای به منظور رواج فرهنگ یادگیری مادام‌العمر (در قالب مفاهیم و عبارات) بود. مشارکت کننده کد ۱۲ گفت که «فرد به یکسری شرایط مناسب روان‌شناختی برای یادگیری نیاز دارن، مثل ارزش فردی و رشد فردی برای یادگیری. در این میان، تبلیغات رسانه‌ها و فراهم ساختن امکان مطالعه در مکان‌های عمومی می‌تونه مؤثر باشه». مشارکت کننده کد ۳ بیان داشت: «ما با گفتن یکسری مفاهیم و شعارها مثل «هرگز برای یادگیری دیر نیست» و «زندگی کن و بیاموز» می‌توانیم به ایجاد فرهنگ یادگیری کمک کنیم». از دیگر طبقات مطرح شده آشنایی با نحوه یادگیری در سایر ملل (بین فرهنگی) بود. مشارکت کننده کد ۵ می‌گوید که «تو بحث غنی‌سازی فرهنگی ما باید بتونیم فرهنگ‌های متفاوت رو بپذیریم و این باعث افزایش میزان تحمل ما می‌شه. در ضمن، آشنایی با دیگر فرهنگ‌ها، قوانین و استانداردها برای موفقیت به ما کمک می‌کنه». مشارکت کننده کد ۱۰ معتقد بود که «شیوه، فرهنگ و دیدگاه‌ها نسبت به یادگیری از کشوری به کشوری متفاوت است. آشنایی با روش‌های متفاوت و دیدگاه‌های مختلف به یادگیری دیگر کشورها می‌تونه در افراد برای یادگیری ایجاد انگیزه کنه». هدایت باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها در جهت یادگیری مادام‌العمر از دیگر موارد مطرح شده است. مشارکت کننده ۱ بیان داشت که «رسانه جزء جدا نشدنی زندگی افراد و می‌تونه تأثیر به سزایی تو تغییر ارزش‌ها و باورهای افراد داشته باشه. رسانه نقش مهمی تو هدایت و کنترل افراد داره. رسانه‌ها انتقال دهنده پیام هستند». مشارکت کننده کد ۷ گفت: «وقتی مردم با رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی کار می‌کنن، تحت تأثیر پیام این رسانه‌ها قرار می‌گیرن. در نظر بگیرین یک مطلب رو بارها و بارها برای شما تکرار کنن، کم‌کم باور می‌کنین اون گفته صحیحه. از این راه ما می‌تونیم باور مردم رو نسبت به یادگیری تغییر بدیم. توجه به یادگیری مادام‌العمر به عنوان اولویت ملی نیز یکی از آیت‌های مهم برای ایجاد فرهنگ

گرفته و دیدگاه مثبتی نسبت به یادگیری، در افراد ایجاد نماید. یادگیری و رسالت فرهنگی مراکز آموزشی یکی دیگر از طبقات زیرساخت فرهنگی یادگیری با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر بود. زیرطبقات این طبقه شامل استفاده از روش‌های متنوع یادگیری، بسترسازی جهت فرصت یادگیری در هر زمان، بسترسازی جهت فرصت یادگیری در هر مکان، سیر از فرایند یاددهی به فرایند یادگیری و آرایه اطلاعات کافی به افراد جهت جذب در فرایند یادگیری مادام‌العمر بود. Koper و Tattersall در مطالعه خود بیان می‌کنند که یادگیری مادام‌العمر در مکان‌های زیاد مثل خانه، کلوپ، کلیسا، سینما، اتحادیه‌های کارگری و... به شیوه‌های مختلف از طریق کتاب‌ها، روزنامه‌ها و تکنولوژی‌های جدید صورت می‌گیرد (۲۳). Laal و همکاران اذعان می‌کنند که یادگیری مادام‌العمر یعنی یادگیری در تمام مراحل زندگی اتفاق می‌افتد و تمام متن زندگی را از مدرسه تا کار در بر می‌گیرد. جامعه یادگیری، جامعه‌ای است که در آن فرصت‌های یادگیری برای همه افراد و هر سنی را فراهم می‌نماید. یادگیری مادام‌العمر ساخت مداوم مهارت‌ها، دانش و استفاده از آن‌ها در طول زندگی یک فرد است (۸). درباره یادگیری مادام‌العمر پژوهشی بیان می‌دارد که فرم یادگیری منعطف نیاز است تا فرد را قادر سازد در همه زمان‌ها و مکان‌ها یاد بگیرد. در ضمن، با شیوه‌های خاص خود بیاموزد (۷). همچنین، یادگیری مادام‌العمر تمام رده‌های یادگیری از گهواره تا گور و همه فرم‌های آموزش رسمی، غیر رسمی، پنهان و یادگیری در همه مکان‌ها مانند محل کار و زندگی روزمره را در بر می‌گیرد. همچنین، بر توسعه فردی و حرفه‌ای متمرکز است و هر نوع یادگیری را در طول زندگی از سال‌های پیش‌دبستانی تا بازنشستگی شامل می‌شود. هدف این یادگیری‌ها، افزایش دانش و توانایی در محدوده زندگی فردی، شهروندی، اجتماعی و اشتغال بوده تا افراد بتوانند بر آینده خود کنترل بیشتری داشته باشند (۸).

کریمی بیان داشت که سیستم آموزش عالی ایران برای تحقق یادگیری مادام‌العمر بایستی به تدارک فرصت‌های یادگیری به شکل‌های مختلف بپردازد. شکل‌های مختلف آموزش و یادگیری عبارت از رسمی، غیر رسمی و اتفاقی است (۲۱). Salkind یادگیری مادام‌العمر را یک روند آموزشی که بزرگسالان را در فرصت‌های چندگانه آموزشی (رسمی و غیر رسمی) درگیر می‌نماید، بیان داشت که این نوع یادگیری با یادگیری در دوران کودکی تفاوت دارد؛ چرا که یادگیری عمدی، داوطلبانه و تحت کنترل یادگیرنده بزرگسال است (۲۴). راهنمای یونسکو نیز تأکید بر تلفیق میان مراکز آموزشی و سازمان‌ها برای انتقال نتایج یادگیری از کار به زندگی و بالعکس دارد (۲۵). محمدی‌مهر و همکاران، نقش دانشگاه‌ها را از طریق آرایه دوره‌ها و آموزش‌های متنوع، ایجاد کرسی‌های استادی بین‌المللی و تبادل استاد و دانشجو میان کشورها، مهم می‌شمارند. از این طریق می‌توان اطمینان داد که بهترین آموزش به طور گسترده در دسترس همگان قرار می‌گیرد (۲۶). Bang یکی از اهداف آموزش عالی اروپا را حرکت به سمت هدف یادگیری مادام‌العمر می‌داند. در واقع، یک تمرین و حرکت مناسب به سمت دیدن نیازهای متنوع افراد بر شمرد. اصطلاح یادگیری مادام‌العمر شامل آموزش مقدماتی افراد، آموزش مداوم فارغ‌التحصیلان، آموزش در محیط کار و فرصت‌های یادگیری بعد از بازنشستگی برای غنای فرهنگی است (۷).

یادگیری و رسالت فرهنگی خانواده طبقه اصلی دیگر و شامل زیرطبقات: افزایش امکانات کمی و کیفی مطالعه در خانواده، الگوسازی فرهنگ یادگیری در خانواده و مدیریت اوقات فراغت در خانواده بود. Demirel به بررسی برخی موانع یادگیری مادام‌العمر پرداخته است. از این عوامل می‌توان به برخی موانع فکری یادگیری مانند فقر فرهنگی یادگیری در خانواده، انگیزه کم، اعتماد به نفس پایین و تجارب بد یادگیری در زمان کودکی و موانع مالی مانند کمبود حمایت‌های مالی و کمبود امکانات مطالعه در خانه اشاره نمود. در این مطالعه، تأکید بر ایجاد فرهنگ خانوادگی یادگیری مادام‌العمر نموده است (۲۷).

پژوهش‌های کم در زمینه این موضوع داخل کشور (که امکان مقایسه با یافته‌ها به صورت وسیع وجود نداشت) و همچنین، می‌توان به محدود بودن نمونه پژوهش به استادان دانشگاه‌های کرمان و اصفهان اشاره نمود. با توجه به کیفی بودن مطالعه، تعمیم‌پذیری داده‌ها با مشکل مواجه بود که برای کاهش این محدودیت سعی شد که نمونه‌گیری تا اشباع کامل داده‌ها ادامه یابد.

### نتیجه‌گیری

مشارکت کنندگان تجربیات و نظرات مختلفی درباره تغییرات ضروری در زیرساخت فرهنگی جهت حرکت به سمت یادگیری مادام‌العمر داشتند که تعدادی از آن‌ها به ارزش‌های فرهنگی فردی و پارهای به رسالت فرهنگی مراکز آموزشی، خانواده و رسانه‌ها مربوط بود. امروزه حرکت مراکز آموزشی به سمت نهادینه ساختن فرهنگ یادگیری مادام‌العمر است. بنابراین، لازم است که با توجه به یافته‌های مطالعه حاضر، اهمیت بیشتری به ایجاد فرهنگ یادگیری مادام‌العمر شود. نتایج مطالعات حاضر می‌تواند در اختیار سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان یادگیری قرار گیرد تا بتوانند در جهت بازنگری زیرساخت فرهنگی و طراحی راهبردهای اثربخش و کاربردی، اقدامات لازم را انجام و افراد را جهت یادگیری مادام‌العمر آماده سازند. همچنین، این یافته‌ها می‌تواند به عنوان راهنما و پایه‌ای جهت مطالعات آینده مورد استفاده قرار گیرد.

### تشکر و قدردانی

مقاله فوق، مربوط به بخشی از پایان‌نامه دکتری برنامه‌ریزی درسی با عنوان «بررسی ویژگی‌های تحقق برنامه درسی با رویکرد یادگیری مادام‌العمر در آموزش عالی به منظور طراحی و آرایه الگو» نو که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان انجام گرفته است. بدین‌وسیله، ضمن قدردانی از همه مسؤولان و دست‌اندرکاران این دانشکده، از همکاری صمیمانه استادان محترم شرکت‌کننده در پژوهش، تشکر می‌شود.

همچنین، طبقه یادگیری و رسالت فرهنگی رسانه شامل تبلیغات رسانه‌ای در جهت یادگیری مادام‌العمر (در قالب شعارهای ملی و محلی)، آشنایی با نحوه یادگیری در سایر ملل (بین فرهنگی)، هدایت باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها در جهت یادگیری مادام‌العمر بود.

مظاهری و فدوی در تحقیق خود جهت ایجاد فرهنگ یادگیری مادام‌العمر به مشارکت حامیان مختلف اشاره نمودند. این حامیان شامل سازمان‌ها، رسانه، مطبوعات و... می‌باشند که برای موفقیت و رسیدن به هدف بایستی همکاری همه حامیان را افزایش داد (۲۲).

Bang در تحقیق خود بر تغییر فرهنگ رسانه‌ها و استفاده از رسانه‌های جدید در یادگیری تأکید می‌نماید. وی عنوان می‌دارد که بعضی تکنولوژی‌ها مصرف‌کنندگی را تقویت می‌نماید، مثل تلویزیون و این ذهنیت مصرف‌کنندگی به مدارس کشیده شده است. برای تغییر ذهنیت افراد درباره یادگیری نیازمند همکاری بخش‌ها و سیستم‌های مختلف است. یادگیری در مکان‌های جدا و مراحل جدا صورت نمی‌گیرد، بلکه با تلفیق عناصر و رسانه‌های مرتبط با یادگیری انجام می‌پذیرد (۷).

مطالعه در زمینه یادگیری مادام‌العمر، بیش از همه به آشکارسازی تغییرات ضروری در زیرساخت فرهنگی انجامیده است. این پژوهش جزء معدود مطالعاتی است که در ایران به بررسی تغییرات ضروری در زیرساخت فرهنگی با توجه به رویکرد یادگیری مادام‌العمر پرداخته و چون با رویکرد کیفی به بررسی عوامل توجه شده است، توانسته به صورت عمیق تجربیات استادان را بررسی و از این تجارب برای کاربردهای عملی استفاده نماید.

از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به تمایل کم استادان محترم به دلیل گرفتاری شغلی، جهت شرکت در پژوهش اشاره نمود که با پیگیری مکرر و استفاده از روش‌های متعدد مانند مراجعه حضوری، تماس تلفنی و پست الکترونیک تا حدی مشکل رفع گردید. وجود

## References

1. Schei EH. What is culture? In: Frost PJ, Moore LF, Louis MR, Lundberg CC, Martin J, editors. Reframing organizational culture. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications; 1991. p. 243-53.
2. Seraji F. Virtual learning environments. *Rahbord-e Farhang* 2012; 17-18: 27-49. [In Persian].
3. Seif AA. Educational psycholog. Tehran, Iran: Agahh Publications; 2013. [In Persian].
4. Bruner JS. The culture of education. Cambridge, MA: Harvard University Press; 1996.
5. Laal M. Key necessities for lifelong learning. *Procedia Soc Behav Sci* 2013; 83: 937-41.
6. Nasr A, Karimi S, Boghratian K. Lifelong learning the approach of university in 21<sup>st</sup> century. Isfahan, Iran: SAMT Publications; 2009. [In Persian].
7. Bang J. Organising life long learning. Maastricht, Netherlands: European Association for Distance Teaching Universities (EADTU); 2010.
8. Laal M, Laal A, Aliramaei A. Continuing education; lifelong learning. *Procedia Soc Behav Sci* 2014; 116: 4052-6.
9. European University Association (EUA). European universities' charter on lifelong learning [Online]. [cited 2008]; Available from: URL: [http://www.eua.be/Libraries/higher-education/eua\\_charter\\_eng\\_ly-%285%29.pdf?sfvrsn=0s](http://www.eua.be/Libraries/higher-education/eua_charter_eng_ly-%285%29.pdf?sfvrsn=0s)
10. Gunder EE. Third age perspectives on lifelong learning: Third age university. *Procedia Soc Behav Sci* 2014; 116: 1165-9.
11. Longworth N. Lifelong learning in action: Transforming education in the 21<sup>st</sup> century. London, UK: Routledge; 2003.
12. Kadivar P. Educational psychology. Tehran, Iran: SAMT Publications; 2011. [In Persian].
13. Dimitrescu M, Sarbu LV, Lacroix Y. European trends for adults education in lifelong learning strategy: modern methods and Romanian skills in training management. *Procedia Soc Behav Sci* 2015; 180: 1161-9.
14. Fazeli N. Comparative study of academic culture, Iran and Britain (Anthropological study on the causes and inefficiencies of university education in Iran). *Iranian Journal of Anthropology* 2004; 2(3): 93-132. [In Persian].
15. Sarkararani MR. Education as culture. Tehran, Iran: Monadi Tarbiat; 2009. [In Persian].
16. Farasatkah M. University and higher education. Tehran, Iran: Ney Publications; 2010. [In Persian].
17. Ataran M, Lorkain M, Fazeli N, Askari MA. Identifying the culture of electronic learning curriculum: A Case study in Iran. *Journal of Curriculum Studies* 2012; 2(3): 41-7. [In Persian].
18. Salsali M, Parvizi S, Adib Hajbagheri M. Qualitative research methods. Tehran, Iran: Boshra Publications; 2011. [In Persian].
19. Polit DF, Beck CT. Nursing research: Principles and methods. Philadelphia, PA: Lippincott Williams and Wilkins; 2004.
20. Laal M, Salamati P. Lifelong learning; why do we need it? *Procedia Soc Behav Sci* 2012; 31: 399-403.
21. Karimi S. The challenges of curriculum review process to develop learning opportunities with community approach to learning [PhD Thesis]. Isfahan, Iran: School of Education and Psychology, University of Isfahan; 2012. [In Persian].
22. Mazaheri MM, Fadavi MS. The role of educational technology in lifelong learning Islamic Azad University - Isfahan Science and Research Branch. *Procedia Soc Behav Sci* 2011; 28: 842-4.
23. Koper R, Tattersall C. New directions for lifelong learning using network technologies. *Br. J Educ Technol* 2004; 35(6): 689-700.
24. Salkind NJ. Encyclopedia of educational psychology. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications; 2008.
25. UNESCO Institute for Lifelong Learning. Annual report 2012 [Online]. [cited 2013]; Available from: URL: <http://unesdoc.unesco.org/images/0022/002203/220310e.pdf>
26. Mohammadimehr M, Malaki H, Khoshdel A, Abbaspour A. Quality study on the role of academic members in military medical courses with life-long learning approach. *Ann Mil Health Sci Res* 2012; 9(4): 256-63. [In Persian].
27. Demirel M. Lifelong learning and schools in the twenty-first century. *Procedia Soc Behav Sci* 2009; 1(1): 1709-16.

## Identifying the Changes in Cultural Infrastructure towards Lifelong Learning: Professors' Viewpoint

Mitra Kamyabi<sup>1</sup>, Ahmad Ali Foroughi-Abari<sup>2</sup>, Mohammad Hossein Yarmohammadian<sup>3</sup>

### Original Article

#### Abstract

**Introduction:** In today civilization, the education trend moves towards lifelong learning. Lifelong learning could be used as a guiding principle in higher education; yet to fulfill this purpose, we need to establish lifelong learning in society. This article aimed to identify necessary changes in cultural infrastructure in order to shape a move towards lifelong learning.

**Method:** This qualitative study was conducted in 2014 using content analysis approach. 16 faculty members in University of Isfahan, Isfahan University of Medical Sciences, and Kerman University of Medical Sciences with interest, experience, and background in the field of higher education, teaching, and learning, were selected for this study using purposive sampling method. To collect the data, semi-structured and open-ended interviews were used. For credibility and acceptability of the data, outside observer method was used. The data were analyzed using content analysis approach.

**Results:** Four thematic categories were identified as some of the necessary changes in cultural infrastructure toward lifelong learning. The categories were as “individual learning and cultural values”, “learning and cultural mission of training centers”, “learning and cultural mission of family”, and “learning and cultural mission of the media.”

**Conclusion:** The results of this research could be used for officials to give special attention to cultural infrastructures. Further qualitative studies can be useful in this regards.

**Keywords:** Learning, Cultural background, University professor, Data analysis, Qualitative research

**Citation:** Kamyabi M, Foroughi-Abari AA, Yarmohammadian MH. **Identifying the Changes in Cultural Infrastructure towards Lifelong Learning: Professors' Viewpoint.** J Qual Res Health Sci 2018; 7(1): 60-71.

Received date: 09.07.2016

Accept date: 01.10.2016

1- PhD Student, Department of Education Sciences, School of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

2- Associate Professor, Department of Education Sciences, School of Literature and Humanities, Khorasgan (Isfahan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

3- Professor, Health Management and Economic Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

**Corresponding Author:** Mitra Kamyabi, Email: kamyabi.mitra@gmail.com